

The role of government in establishing institutions of political socialization from the perspective of Nahj al-Balagha

Received: 2022-01-12

Accepted: 2022-02-21

Mohammad Kazem Karimi *

Mohammad Hossein Pooriyani **

Hasan Kheiri ***

The aim of this study is to identify the role of government in establishing institutions of political sociability from the perspective of Nahj al-Balagha and tries to examine the role of government in creating institutions of political sociability in order to shape the beliefs, awareness and political behaviors of people by referring to its teachings. In this regard, using the capacity of the basic theory method: concepts, categories and propositions related to the subject, are extracted and classified and analyzed in three stages of open, axial and selective coding. The basis of this effort can be identified and formulated a significant volume of codes, concepts and main and sub-categories related to research questions in the form of three options: "attention to electoral institutions", "organizing non-governmental organizations" and "formation of regulatory bodies and Security »are categorized. Finally, by abstracting the category of "positive confrontation with political sociability" as a selective category, it became clear that in the light of the proper formation of institutions of political sociability and the constructive role of rulers in this field, the realization of desirable political sociability can be accelerated.

Keywords: Political Culture, Political Socialization, Basic Theory, Nahj al-Balagha.



Vol 24, No. 96, Winter 2022

* PhD Student, Political Sociology, Islamic Azad University, Naragh Branch, Iran (mkkarimi_48@yahoo.com)

** Assistant Professor, Islamic Azad University, Naraq Branch, Iran (Corresponding Author) (mhpouryani@iau-naragh.ac.ir)

*** Associate Professor, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran (Hassan.khairi@gmail.com)

جایگاه حکومت در تأسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۲

محمد کاظم کریمی^۱

محمد حسین پوریانی^۲

حسن خیری^۳



جایگاه حکومت در تأسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج البلاغه

هدف پژوهش حاضر شناخت نقش حکومت در تأسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج البلاغه است و می‌کوشد کارکرد حکومت در ایجاد نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی را به‌منظور شکل‌دهی به باورها، آگاهی‌ها و رفتارهای سیاسی مردمان، با ارجاع به آموزه‌های این کتاب بررسی نماید. برای این منظور با استفاده از ظرفیت روش نظریه‌ی مبنایی: مفاهیم، مقولات و گزاره‌های مربوط به موضوع، استخراج شده و در سه مرحله‌ی کدگذاری باز، محوری و انتخابی دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند. دست‌مایه‌ی این تلاش را می‌توان شناسایی و صورت‌بندی حجم معتناهی از کدها، مفاهیم و مقوله‌های اصلی و فرعی ناظر به پرسش‌های تحقیق دانست که در قالب سه گزینه‌ی: «اهتمام به نهادهای انتخاباتی»، «سامان‌دهی نهادهای مردم‌نهاد» و «تشکیل نهادهای نظارتی و امنیتی» مقوله‌بندی شده‌اند. در نهایت با انتزاع مقوله‌ی «مواجهه‌ی ایجابی با جامعه‌پذیری سیاسی» به‌عنوان مقوله انتخابی، مشخص شد در پرتو شکل‌گیری صحیح نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی و نقش سازنده‌ی حاکمان در این زمینه، می‌توان به تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب سرعت بخشید.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی، نظریه‌ی مبنایی، نهج البلاغه.

۱. دانشجوی دکتری، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، ایران.
(mkkarimi_48@yahoo.com)

۲. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، ایران (نویسنده مسئول) (mhpouryani@iau-naragh.ac.ir)

۳. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران (Hassan.khairi@gmail.com)

یکی از ابعاد مهم جامعه‌پذیری برای حکومت‌ها، «جامعه‌پذیری سیاسی»^۱ است. جامعه‌پذیری سیاسی فرآیندی است که براساس آن جامعه‌گرایش‌ها، نگرش‌ها، دانش‌ها و ارزش‌های سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند (آلموند و همکاران، ۱۳۷۷، ص. ۵۷). در واقع، فرهنگ سیاسی که شامل باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای سیاسی است، در محیط جامعه فرا گرفته شده و به‌عنوان میراث اجتماعی از یک نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد (چیلکوت، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۸). فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی واجد فرصت‌هایی برای کنش‌گران اجتماعی است تا از طریق آن به حفظ، انتقال و تعمیق ارزش‌ها، باورها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی مطلوب جامعه همت گمارند. این فرآیند بیش از همه از طریق نهادهای اجتماعی تحقق پیدا می‌کند؛ از زمره‌ی این نهادها، نهاد حکومت یا قدرت است.

در این میان، دیدگاه امیرمومنان علی علیه السلام چه به‌لحاظ امام معصومی که مستظهر به علم امامت است و چه به‌لحاظ حاکم اسلامی که واجد تجربه‌ی عینی و عملی در امر حکومت‌داری است، برای شناخت جایگاه و نقش حکومت در جامعه‌پذیری سیاسی اهمیت به‌سزایی دارد. پرسش اصلی این است که نقش حکومت در عینیت‌بخشی این روند جامعه‌پذیرانه، به‌ویژه از منظر تولید نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی در دیدگاه امام امیرالمومنین علیه السلام چگونه قابل صورت‌بندی است؟

۱. ادبیات مفهومی

۱.۱. حکومت

حکومت^۲ - از ماده‌ی «حکم» - در لغت به‌معنای رهبری کردن، فرمان‌روایی و اعمال قدرت سیاسی است (انوری، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۶۹)؛ در اصطلاح، فرآیند اجرای منظم سیاست‌ها و تصمیم‌های مقامات اداری درون یک دستگاه سیاسی را حکومت می‌گویند (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۳۳۹). حکومت شامل تشکیلات اداره‌کننده‌ی سه قوه‌ی مجریه، قضائیه و مقننه در یک کشور است (کللی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). عنصر مهم تشکیل‌دهنده یک دولت، «حکومت»

1. Political Socialization.

2. Government.





است که سازمان اداری دولت تلقی می‌شود و شکل و ساختارش توسط قانون اساسی دولت تعیین می‌شود. مفاهیم حکومت، امامت و رهبری جامعه اسلامی از مفاهیم پربسامد در کلام امام علی علیه السلام هستند. از نگاه ایشان، وجود حکومت در جامعه‌ی انسانی امری ضروری است که از بروز اختلاف و هرج و مرج جلوگیری می‌کند و تامین امنیت جامعه را تضمین می‌نماید (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۴۰، ص. ۱۴۵).

۱,۲. جامعه‌پذیری سیاسی

«جامعه‌پذیری سیاسی» بخشی از فرآیند جامعه‌پذیری است که طی آن، ایستارهای سیاسی فرد شکل می‌گیرند (آلموند و همکاران، ۱۳۷۷، ص. ۵۷). هدف از آن، تربیت یا پرورش افراد به‌عنوان اعضای کارآمد جامعه سیاسی است (مهرداد، ۱۳۷۶، ص. ۱۷). از منظر امام علی علیه السلام یکی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی، رهبران جامعه هستند. رهبران، حاکمان و مدیران به‌دلیل در اختیار داشتن امکانات جامعه و قرار گرفتن در جایگاه الگو برای گروه‌های سیاسی و اجتماعی در انتقال باورها و ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب و یا ممانعت از تحقق آن‌ها نقش به‌سزایی دارند. ایشان می‌فرمایند:

برترین بندگان خدا در پیشگاه او پیشوای عادل است که خودش هدایت شده و دیگران را نیز هدایت می‌کند، سنت شناخته‌شده‌ای را برپا می‌دارد و بدعت ناشناخته‌ای را از میان برمی‌دارد و بدترین مردم نزد خداوند حاکم ستمکاری است که خود گمراه گشته و دیگران را گمراه می‌سازد، سنتی را که بدان عمل می‌شود می‌میراند و بدعتی را که رها شده زنده می‌سازد. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۶۴، ص. ۲۲۳)

۱,۳. نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی

نهاد^۱ در تلقی اندیشمندان اجتماعی، نظامی نسبتاً پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی است که برخی رفتارهای نظارت‌شده و یکسان را با هدف برآورده کردن نیازهای اساسی جامعه دربر می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۵، ص. ۱۵۱). اگرچه به‌طور سنتی پنج نهاد خانواده، حکومت، دین، اقتصاد و آموزش، عهده‌دار اصلی‌ترین نیازهای جوامع شناخته شده‌اند، پیچیدگی روابط اجتماعی و پیشرفت‌های چشم‌گیر در حوزه‌ی دانش و فناوری، مرزهای نیازها را در جوامع انسانی به شکل گسترده‌ای درنوردیده است؛ بدین‌سان صورت‌های



جدیدتری از نهادها به عرصه‌ی حیات اجتماعی انسان راه یافته‌اند. کوئن اذعان می‌کند یکی از کارکردهای حکومت، نهادمندساختن هنجارها از طریق قوانین مصوب است (کوئن، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۴). نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی به‌طور خاص شکل‌هایی از نهاد هستند که احساس تعلق اجتماعی افراد را برآورده می‌سازند و کمینه‌های رابطه‌ی «جامعه» و «حکومت» را به‌گونه‌ای پوشش می‌دهند که از ذره‌ای شدن جامعه‌ی سیاسی پیشگیری به‌عمل آید. بر همین پایه، در سخنان، رفتار و مکاتبات امام علی علیه السلام به شکل مستوفای این قبیل نهادها توجه شده است که از این میان سه دسته‌ی آنها شامل «نهادهای مردم‌نهاد»، «نهادهای انتخاباتی» و «نهادهای نظارتی و امنیتی» در کلام آن حضرت پررنگ‌تر هستند.

۲. روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی و روش آن کیفی است و با بهره‌گیری از «گردند تئوری» یا «نظریه‌ی مبنایی»^۱ انجام می‌پذیرد. نظریه‌ی مبنایی در واقع فرآیند ساخت یک نظریه‌ی مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته‌ی داده‌ها و تحلیل استقرایی آنها برای یافتن پاسخ پرسش‌ها در زمینه‌هایی است که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین فرضیه و آزمون آن هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲). نظریه‌ی مبنایی بر محور سه عنصر: مفاهیم،^۲ مقولات یا طبقات^۳ و گزاره‌ها یا قضایا^۴ صورت پیدا می‌کند. مفاهیم، انتزاعی از پدیده‌های بیرونی و خارج از ذهن هستند. در این روش، داده‌ها از طریق مفهوم‌سازی، استنباط، تفسیر و برداشت‌های ذهنی محقق تبدیل به نظریه می‌شوند. مقولات، صورت‌بندی و طبقه‌بندی ویژه‌ای از مفاهیم استخراج شده هستند؛ از این‌رو حصول به نظریه به مدد مفاهیم، در گرو مقوله‌بندی و تنظیم معقول و موزون مفاهیم است. گزاره‌ها یا قضایا به‌واقع توضیحاتی درباره‌ی روابط بین مفاهیم‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۵). جامعه‌آماری در این تحقیق شامل سخنان امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، ناظر

1. Grounded Theory
2. Concepts
3. Categories
4. Propositions

به موضوع: حکومت، سیاست و قدرت؛ در سه بخش خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌هاست. با توجه به این که تعداد داده‌ها در مطالعات کیفی از ابتدا قابل پیش‌بینی نیست، گردآوری داده‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که داده‌ها به اشباع نظری برسند. اشباع نظری در نظریه‌ی مبنایی به معنای کامل شدن همه‌ی سطوح کدها به‌گونه‌ای است که اطلاعات مفهومی جدیدی که نیازمند کد جدید یا گسترش کدهای موجود باشد، به دست نیاید.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش که ناظر به نقش و جایگاه حکومت در تاسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، در قالب سه گام اساسی شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی پی‌گیری شد. کدگذاری باز، گام اول در روش نظریه‌ی مبنایی است که به طبقه‌بندی داده‌ها از طریق یادداشت‌های کوتاه منجر می‌شود و نتیجه‌ی نهایی آن، تعیین و طبقه‌بندی مفاهیم است. امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به نقش و اثرگذاری حکومت بر اجتماعی شدن سیاسی اعضای جامعه در هر دو بعد سلب و ایجاب تأکید کرده است.

برای رسیدن به درک درستی از مفاد سخنان و دیدگاه‌های آن حضرت، با استفاده از رهیافت استقرای کیفی و با مراجعه‌ی مستقیم به متن نهج‌البلاغه، مهم‌ترین عبارتهای مرتبط با موضوع حکومت و جامعه‌پذیری سیاسی و با محور نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، به ترتیب «خطبه‌ها»، «نامه‌ها» و «کلمات قصار» به‌عنوان واحد تحلیل استخراج شد و به‌منظور درک مفاهیم پنهان آن‌ها در قالب «کدهای اولیه» صورت‌بندی گردید. در مرحله بعد، «کدگذاری محوری» به‌منظور تبدیل پراکندگی موجود بین کدهای اولیه به اتحاد نسبی، انجام پذیرفت و میان دسته‌بندی‌های به‌وجودآمده در مرحله‌ی کدگذاری اولیه، ارتباط جامع‌تری برقرار گردید تا از کدهای قبلی فروکاسته شود. آخرین مرحله‌ی کدگذاری، به «کدگذاری انتخابی» اختصاص داشت که طی آن میان دسته‌بندی‌های گوناگون، یک دسته به‌عنوان «هسته» برگزیده شد و دیگر دسته‌ها به آن مرتبط گردید. ایده‌ی اصلی، همانا ایجاد یک «هسته‌ی اصلی» برای ارتباط دیگر داده‌ها به آن بوده است.





ردیف	متن اصلی	ترجمه	ارجاع	کدگذاری
۱	..وَلَا تَخَالِطُوْنِي بِالْمَصَانِعِ	و با چاپلوسی و تملق با من در نیامیزید	خ ۲۱۶، ص. ۲۷۳	نهی از تملق‌گویی حاکمان
۲	وَلَا تُنْفِرَنَّ بَهِيمَةً وَلَا تُفْرِعْنَهَا، وَلَا تَسْوَأَنَّ صَاحِبَهَا فِيهَا.	چارپایی را رم مده و مترسان و صاحبش را در گرفتن آن به سختی مینداز.	ن ۲۵، ص. ۳۲۶	منع از ترساندن حیوانات
۳	وَأَشْعُرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمُحِبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ	(به مالک اشتر هنگام اعطای ولایت مصر) مهربانی، محبت و لطف به رعیت را پوشش دل خود قرار ده.	ن ۵۳، ص. ۳۴۷	مدارا با مردم
۴	..وَأَنَا أَتْرَأُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى دِمَتِكُمْ مِنْ مَعْرَةِ الْجَيْشِ، إِلَّا مِنْ جَوْعَةِ الْمُضْطَّرِّ، لَا يَجِدُ عَنْهَا مَذْهَبًا إِلَى شَيْعِهِ.	من به سبب پیمانی که با شما دارم، از آسیبی که سپاهیان به مردم برسانند، بیزارم؛ مگر آن‌که سربازی گرسنه مانده و برای سیرکردن خود چاره‌ای جز آن نداشته باشد.	ن ۶۰، ص. ۳۵۷	برائت از رفتار غیرانسانی ماموران حکومت
۵	أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةِ أَمْرِكُمْ وَ لَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيْكُمْ	خداوند به جهت برعهده‌داشتن حکمرانی شما حقی برای من بر ذمه‌ی شما نهاده و شما نیز حقی مانند حقی که من بر شما دارم، بر من دارید.	خ ۲۱۶، ص. ۲۷۳	احترام به حقوق متقابل مردم و مسئولان
۶	.. وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ الْعُلَمَاءَ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَيَّ كَطَلَمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ	و پیمانی که خداوند از دانایان گرفت که در برابر پُرخوری ستمکار و گرسنگی ستم‌دیده ساکت نشینند.	خ ۳، ص. ۱۲۸	احساس مسئولیت اجتماعی
۷	أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ، لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ	به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر نبود حضور مردم و تمام‌بودن حجت بر من به دلیل وجود یاور.	خ ۳، ص. ۱۲۸	اهمیت دادن به نظر مردم
۸	..وَلَا الْخَائِفُ لِلدُّوْلِ فَيَتَّخِذَ قَوْمًا دُونَ قَوْمٍ	و نباید [حاکم] از چرخش قدرت و انتقال آن از کسی به کس دیگر بترسد تا گروهی را بی‌جهت بر گروهی مقدم دارد.	خ ۱۳۱، ص. ۱۹۹	نهراسیدن از جابه‌جایی قدرت

مستولیت پذیری	خ ۱۶۷، ص. ۲۲۷	در مورد بندگان خدا و شهرهایش تقوای الهی را رعایت کنید، زیرا شما حتی درباره زمین‌ها و حیوانات نیز مسئول هستید.	۹ اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَالْأَنْهَامِ
قدردانی از خوبی‌های مردم	خ ۱۵۹، ص. ۲۱۸	و این به خاطر سپاس‌گزاری از خوبی اندک شماست.	۱۰ ..شُكْرًا مِّنِّي لِلْبِرِّ الْقَلِيلِ
وقوف به مجاری سوء استفاده در امر حکومت	خ ۲۲۴، ص. ۲۷۹	گفتم: مادرت به عزایت بنشیند، آمده‌ای از راه دین خدا مرا بفریبی؟ آیا در خردت نقصانی پدید آمده، یا دیوانه‌ای یا یاوه می‌سرایی؟	۱۱ ..قُلْتُ: هَبْلَتِكَ الْهُيُولُ! أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتُخَدِّعَنِي؟ أَمْ مُخْتَبِطٌ أَنْتَ أَمْ دُو جِنَّةٍ، أَمْ تَهْجُرُ؟
مقابله با سهم‌خواهی و نفوذ بی‌ضابطه در امور حکومت	خ ۲۳۲، ص. ۲۸۳	(خطاب به عبدالله بن زمعه که از شیعیان بود) بی‌شک این مال نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و ثمره شمشیرهای آنان در میدان نبرد است.	۱۲ إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ وَإِنَّمَا هُوَ فِئَةٌ لِلْمُسْلِمِينَ وَ جَلْبُ [حلب] أَسْيَافِهِمْ
تمکین از قواعد انتخابات	ن ۶، ص. ۳۱۹	همان مردمی که با ابوبکر، عمر و عثمان بیعت کردند، با همان شرایط با من بیعت کردند. آن که حضور داشت، حق ندارد دیگری را برگزیند و آن که غایب بود، حق ندارد آن را رد کند. شورا تنها برای مهاجران و انصار است؛ اگر بر خلافت کسی اتفاق کردند و او را پیشوا خواندند، خداوند را خشنود ساخته‌اند.	۱۳ إِنَّهُ بَايَعَنِي الْقَوْمُ الَّذِينَ بَايَعُوا أَبَا بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ عَلَيَّ مَا بَايَعُوهُمْ عَلَيَّ، فَلَمْ يَكُنْ لِلشَّاهِدِ أَنْ يَخْتَارَ وَلَا لِلْغَائِبِ أَنْ يَرُدَّ وَ إِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ، فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ رَجُلًا وَسَمَّوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضَى.
سخت‌گیری در مجازات خیانت به بیت‌المال	ن ۲۰، ص. ۲۲۳	(نامه به زید بن ابیه جانشین عبدالله بن عباس در بصره) به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست که اگر به من خیر رسد در غنائم مسلمانان به	۱۴ وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةٍ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، تَأْتِدُنَّ عَلَيَّ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلًا الْوَقْرِ، تَقِيلُ الظَّهْرَ، ضَعِيلُ الْأَمْرِ.





		اندک یا بسیار، خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که تهیدست شوی و هزینه زندگی بر دوشت سنگینی کند و حقیر و خوار گردی!	
نظارت بر عملکرد کارگزاران	ن ۴۰، ص. ۳۴۰	از تو خبری به من رسید که اگر چنان کرده باشی، پروردگارت را به خشم آورده و امام خویش را نافرمانی کرده و در امانت خیانت کرده‌ای.	۱۵ فَقَدْ بَلَّغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ، إِنْ كُنْتُ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أُسْخِطْتُ رَبَّكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ وَ أَخْرَيْتَ [أَخْرَيْتَ] أَمَانَتَكَ.
مسامحه نکردن در برخورد با ناهنجاری‌های نزدیکان	ن ۴۱، ص. ۳۴۱	به خدا سوگند! اگر کاری را که تو کردی حسن و حسین کرده بودند، از من نرمی نمی‌دیدند و به مرادی نمی‌رسیدند تا آن‌که حق را از آنان بازگیرم و باطل پدیدآمده از ستم آن دو را نابود سازم.	۱۶ وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ، مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَلَا ظَفِيرًا مِثْلِي بِإِرَادَةٍ، حَتَّى أَخْذَ الْحَقُّ مِنْهُمَا وَ أُزِيحَ الْبَاطِلَ عَنْ مَظْلَمَتَيْهِمَا.

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز

۳,۱. مقوله‌بندی محوری

پس از این مرحله، نوبت به کدگذاری محوری برای شناخت مقوله‌های کلی‌تر رسید. کدگذاری محوری، فرآیندی است که طی آن مفاهیم به‌دست‌آمده از طریق کدگذاری باز به هم ربط داده می‌شوند. در واقع در این مرحله در پی برهم‌زدن و به‌هم‌پیوستن طبقه‌بندی‌ها هستیم تا یک تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر از پدیده ارائه شود.

مفاهیم	مقوله‌ها
اهمیت نقش مردم، بیعت، شایسته‌گزینی، حقوق متقابل رأی‌دهندگان و منتخبان، نظارت بر انتخابات.	اهتمام به نهادهای انتخاباتی
حمایت از تقویت و توسعه‌ی مجاری ارتباطات مردمی، حمایت از محرومان و نیازمندان، حمایت از محیط زیست، حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده، جلب مشارکت‌های مردمی.	سامان‌دهی نهادهای مردم‌نهاد
حاکمیت قانون، نظارت بر عملکرد کارگزاران، مسامحه‌نکردن در برخورد با فساد، پیش‌گیری از ویژه‌خواری، نظام چرخش مدیران.	تشکیل نهادهای نظارتی و امنیتی

جدول ۲: طبقه‌بندی و استخراج مقولات از مفاهیم

کدگذاری محوری در واقع رابطه‌ی بین مفاهیم و نظریه است و مبتنی بر مدل پارادایمی شکل می‌گیرد. طبق مدل پارادایمی استراس و کوربین، یافته‌ها حول محورهای: علل، پدیده، زمینه، شرایط میانجی، استراتژی‌های کنش/کنش متقابل و پیامدها شکل می‌گیرند. گفتنی است پارادایم در این جا بیان‌گر سلسله‌ی روابطی است که بین زیرمقوله‌ها و مقوله‌ی اصلی وجود دارد و از این نظر با اصطلاح رایج در مباحث معرفتی به معنای چارچوب فکری و فرهنگی غالب بر نظام‌های معرفتی متفاوت است.

۳,۲. مقوله محوری (پدیده)

پدیده یا مقوله‌ی محوری در اصل همان ایده، حادثه یا اتفاق اصلی‌ای است که سلسله‌ی کنش‌ها و کنش‌های متقابل برای کنترل و اداره‌ی آن معطوف می‌گردد. به‌واقع ما پدیده را با پرسش‌هایی مانند: «این داده‌ها به چه چیز دلالت می‌کنند و این کنش و کنش متقابل درباره‌ی چیست؟» شناسایی می‌کنیم (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۱). در این تحقیق، پدیده‌ی اصلی تاسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از طریق اعمال نقش و کارکردهای حکومت است که با لحاظ مجموعه‌ای از عوامل و شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای نمایان می‌شود.

۳,۳. شرایط علی

حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که در وقوع یا گسترش پدیده نقش ایفا می‌کنند، علل یا شرایط علی گفته می‌شود؛ مانند تاثیر شکستگی پا بر احساس درد (همان، ص. ۱۰۱). براساس داده‌های این تحقیق، عناصری چون: «اهتمام حکومت به نهادهای انتخاباتی»، «سامان‌دهی نهادهای مردم‌نهاد» و «شکل‌دهی نهادهای نظارتی و امنیتی» عواملی هستند که بر شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی اثر می‌گذارند.

سیره عملی و سخنان امیرالمومنین علیه‌السلام سرشار از فرصت‌هایی است که بستر ایفای نقش نهادهای مردمی را تسهیل می‌کند. سازمان مردم‌نهاد^۱ یا سازمان غیردولتی که در فارسی به اختصار سمن و در انگلیسی NGO خوانده می‌شود، طیف وسیعی از موسسات، تشکل‌ها، انجمن‌ها و به‌طور کلی بخشی از نهادهای مدنی غیردولتی را دربر می‌گیرد که توسط مردم شکل گرفته‌اند و با مشارکت و همکاری آنان فعالیت می‌کنند.



بدین سبب در گام نخست، «مردم» نزد امام دارای جایگاه و منزلت ویژه‌اند. یکی از نکات برجسته در سیره و سخن امام علیه السلام درباره‌ی مردم، سفارش کارگزاران به ملاحظت و مهربانی با مردمان و دوری‌گزینی از رفتارها و روش‌هایی است که اسباب رنجش خاطر آنان را فراهم می‌آورد. چنان‌که در سال ۳۷ هجری، زمانی که آن حضرت محمدبن ابی‌بکر را برای حکومت مصر برگزیدند، در حکم وی افزون بر سفارش به ملاحظت با مردم و رعایت انصاف و عدالت در حق آنان، به مسئولیت همگان در پیشگاه خدای متعال و ضرورت مراقبت از رفتار و کردارها گوشزد فرمودند (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۲۷، ص. ۳۲۷). توجه به محیط زیست به‌ویژه زیست‌جانوری به‌عنوان پاره‌ای جدایی‌ناپذیر از چرخه‌ی حیات طبیعت، دغدغه‌ی حکومت‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در جوامع امروزی است. بر همین پایه امام در نامه‌ی ۲۵ ضمن بیان اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی، به مراعات حقوق حیواناتی که به‌عنوان زکات اخذ می‌شوند، اشاره کرده و از ترساندن و آزار آنها منع کرده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۲۵، ص. ۳۲۶).

آن حضرت در سیره‌ی سیاسی خود به اهمیت نهادهای انتخاباتی گوشزد کرده و تقویت آن‌ها را برای رشد و تعالی جامعه‌ی سیاسی ضروری دانسته است. انتخابات موجه‌ترین و مشروع‌ترین ابزار رسیدن به قدرت و رایج‌ترین شیوه‌ی کاربرد اراده‌ی عمومی در نظام‌های مردم‌سالار است که شهروندان از طریق آن در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال قدرت عمومی مشارکت می‌کنند (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۷). در جاهای مختلف نهج‌البلاغه اعم از خطبه‌ها و نامه‌ها، توجه امام به نظر مردم برای ورود به حکومت و اهمیت نظر آنان برای ادامه‌ی روند فعالیت‌ها و برنامه‌ها مشهود است؛ چه آن‌جا که برای برعهده‌گرفتن زمام‌داری، استقبال و تجمع مردمان را انگیزه‌ی ورود خویش به امر حکومت می‌داند؛ و چه آن‌جا که از بدعهدی خواص یاران و اصحاب گلایه می‌کند و بی‌وفایی آنان را نافی بیعت اولیه‌شان می‌شمرد (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۳، نامه ۳۸، ص. ۱۲۸ و ۳۳۹).

افزون بر این، آن حضرت با اعمال نظارت بر رفتار کارگزاران و مأموران حکومت خویش، مواردی همچون حسن انجام وظیفه، نحوه‌ی برخورد با مردم و شهروندان، صحت‌وسقم گزارش‌های ارسالی، درستی و نادرستی شکایت‌های مردمی از عاملان حکومت و ... را پیوسته رصد می‌کردند و در صورت بروز هرگونه ناهنجاری، واکنش مناسب نشان می‌دادند. منظور از نظارت در این‌جا آن دسته از نظارت‌هاست که با هدف

کنترل فرآیندهای سیاسی و اجتماعی از ناحیه‌ی حکومت صورت می‌گیرد و در قالب نهادهای نظارتی و امنیتی اعمال می‌گردد. بر همین اساس با سهم‌خواهی و نفوذهای بی‌ضابطه در امور حکومت به‌شدت مقابله می‌کرد و خطاب به عبدالله بن زعمه که به خاطر مقام و موقعیتش نزد امام، توقع سهم بیش‌تری از بیت‌المال داشت، فرمود: «إِنَّ هَذَا الْمَالَ لَيْسَ لِي وَلَا لَكَ وَإِنَّمَا هُوَ قِيٌّ لِلْمُسْلِمِينَ وَجَلْبُ [حلب] أَسْيَافِهِمْ؛ این مال نه از آن من است و نه از آن تو، بلکه غنیمت مسلمانان و ثمره شمشیرهای آنان در میدان نبرد است.» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۲۳۲، ۲۸۳)

۳،۴. زمینه‌ها

شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی دارند و محصول تلاقی و تلفیق آن‌ها با یک‌دیگر برای شکل‌دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. وقتی می‌گوییم در شرایط درد شدید و طولانی، چنین و چنان می‌کنیم تا آن را مهار کنیم، زمینه را توضیح می‌دهیم (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۲). آن‌چه می‌تواند به شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از ناحیه‌ی حکومت مدد رساند، میزان مراقبت و اهتمام حاکمیت در ایفای وظایف و کارکردهای خود در قبال مردم و دوری‌گزینی از رفتارها و کنش‌هایی است که سبب تنفر عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی اعضای جامعه می‌شود.

گزیده‌ای از زمینه‌های ایجابی شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی در کلام امام علیه‌السلام به شرح زیر است:

نظارت مردمی

از منظر امام علی علیه‌السلام حکومت برای مردم و در خدمت مردم است؛ از این‌رو، این حق را برای مردم قائل است که عملیات حکومت و رفتار کارگزاران را تحت نظر داشته باشند. در این صورت همه‌ی امور حکومت به‌سوی راستی میل می‌کند و انحراف‌ها و کاستی‌ها به حداقل می‌رسند. ایشان در خطبه‌ای که روز دوم حکومت خویش ایراد فرمود، بر این نکته تاکید می‌ورزد که چیزی برای پنهان کردن از مردم ندارد:

ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةٌ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ.. وَاللَّهِ مَا كَتَمْتُ وَشَمَمْتُ وَلَا كَذَبْتُ كَذِبَةً؛ پیمان من بدان‌چه می‌گویم در گرو است و به‌درستی گفتارم متعهد و پایبندم. به خدا سوگند به اندازه‌ی

سر سوزنی را پنهان ندارم و هیچ‌گونه دروغی نگویم. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۶، ۱۳۳)

تنها چیزی که در حکومت آن حضرت پنهان داشته می‌شد، اسرار جنگی بود؛ چنان‌که در این باره می‌فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ؛



۳



بدانید حق شما نزد من آن است که جز راز جنگ، چیزی را از شما نپوشانم» (نهج البلاغه، ۱۳۹۵، نامه ۵۰، ص ۳۴۵).

سیره عملی امام علیه السلام نشان می‌دهد نظارت مردم برای آن حضرت حایز اهمیت بود. سوده همدانی یکی از زنانی بود که برای شکایت از مامور زکات نزد آن حضرت آمده بود. نقل می‌کند چون به خدمت حضرت رسیدم، امام آماده‌ی اقامه نماز بود. با دیدن من از نماز منصرف شد و فرمود: آیا درخواستی داری؟ گفتم بلی و ظلم مامورش را گزارش دادم. آن حضرت قطعه‌ی پوستی بیرون آورد و بر روی آن نوشت:

هرگاه نامه مرا دریافت کردی آن‌چه از کار ما در دست توست، حفظ کن تا کسی به سراغت آید و آن‌ها را از تو تحویل بگیرد والسلام. پس امام علیه‌السلام گریست و فرمود: خداوندا تو بر من و آن‌ها شاهی و من آن‌ها را امر نکرده‌ام که به خلق تو ظلم کنند. (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۱۴۴)

حقوق متقابل رأی‌دهندگان و منتخبان

«حق» و «تکلیف» دو مفهومی هستند که اثر متقابل بر یک‌دیگر دارند و زمانی که در مباحث حکومت کنار یک‌دیگر قرار گیرند، موضوع حقوق متقابل مردم و حکومت مطرح می‌شود. امام علی علیه السلام در دوره‌ی زمامداری خویش به‌رغم تمامی فرازونشیب‌ها و مشقتها، به حقوق متقابل حکومت و مردم ملتزم بودند و از توجه بدان غفلت نورزیده‌اند. در این الگوی حاکمیتی، میان انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده رابطه‌ی پاسخ‌گویی برقرار است و صندوق رأی قدرت تعیین‌کننده‌ای دارد. بر این پایه امام علیه السلام ضرورت رابطه‌ی متقابل مردم و حکومت را گوشزد کرده و بر حقوق طرفین صحنه می‌گذارند:

ای مردم! من بر شما حقی دارم و شما نیز بر من حقی دارید؛ اما حق شما بر من آن است که خیرخواه‌تان باشم و غنیمت شما را تماماً به شما بدهم، شما را آموزش دهم تا ناآگاه نباشید و تربیت کنم تا بدانید. اما حق من بر شما آن است که به بیعت خود وفادار باشید و در بود و نبودم خیرخواه من باشید، هرگاه شما را می‌خوانم اجابت کنید و هرگاه فرمان می‌دهم اطاعت نمایید. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۳۴، ص ۱۴۳)

برخی معتقدند این‌که امام، نخست از حقوق امت بر امام سخن می‌گوید به این دلیل است که تقدیم این بخش علاوه‌بر این‌که سبب تاثیر در نفوس شنوندگان می‌شود، جنبه‌ی مردمی حکومت اسلامی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد این حکومت با حکومت خودکامگان و طاغوت‌ها که خود را مالک‌الرقاب مردم می‌دانند، بسیار فرق دارد

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۳۴۳). طبعاً زمانی می‌توان انتظار جامعه‌پذیری سیاسی از اعضای جامعه را داشت که حقوق حکومت و مردم به‌طور متقابل و بدون پرده‌پوشی و ابهام مراعات گردد؛ لذا پیشگامی حکومت به نهادینه‌ساختن آن مدد می‌رساند.

ارتباط رودررو با مردم

توجه به نیاز و خواست مردم افزون بر این که توصیه‌ی آموزه‌های دینی است، باعث جلب اعتماد عمومی و کسب سرمایه‌ی اجتماعی برای حاکمان نیز می‌گردد. یکی از شاخص‌های مهم داوری درباره‌ی حکومت نزد امام علیه‌السلام چگونگی توزیع و تمرکز برنامه‌ها و امکانات کشور برای جلب رضایت عموم مردم است. ایشان خطاب به مالک اشتر، جمعیت اصلی مسلمانان و حامیان واقعی دین را توده‌ی مردم دانسته و بر توجه و گرایش به آنان سفارش می‌کنند:

إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْغُدَّةُ لِلْغَدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْأُمَّةِ فَلَيْكِنْ صِغُوكَ لَهُمْ وَ مَيْلُكَ مَعَهُمْ؛ همانا حامیان دین و انبوهی مسلمانان و نیروی آماده پیکار با دشمنان، عامه‌ی مردم هستند، پس باید توجه تو به سوی آنان و تمایل تو به ایشان باشد. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۴۸)

امام علیه‌السلام تصدی قدرت را فرصت مناسبی برای برقراری ارتباط با مردم، به‌ویژه کسانی که دسترسی مستقیم به عناصر قدرت ندارند، دانسته و خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

بخشی از وقت خود را برای مراجعه نیازمندان قرار ده و در آن وقت، خود را از هر کار دیگری فارغ گردان. برای آنان مجلس عمومی قرار بده و در آن مجلس برای خدایی که تو را آفریده، تواضع کن و نگهبانان و محافظان خود را از این مجلس دور ساز تا سخنگوی ایشان بدون بیم و هراس و بی‌لکنت زبان با تو سخن گوید. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۲)

آن حضرت به مسئولان تاکید می‌کنند که از فاصله با مردم بکاهند و حجاب‌هایی که مانع ارتباطات مردمی می‌شود را از میان برچینند: «نباید میان تو و مردم، نماینده‌ای جز زبانت و دربنای جز چهره‌ات باشد. هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مکن که نیازها اگر در فرصت‌های نخست بر تو عرضه نشود، برآورده‌ساختن بعدی آن‌ها برایت ستایش‌انگیز نیست» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۳).

جلب مشارکت‌های مردمی

۱۹ زمینه‌سازی برای مشارکت همه‌ی گروه‌های اجتماعی در اداره‌ی کشور از وظایف



اساسی حکومت‌هاست و زمانی مردم به‌درستی از حقوق‌شان بهره می‌برند که امکان مشارکت‌شان به‌طور واقعی فراهم شود و بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها و اداره حکومت نقش داشته باشند. مشارکت اجتماعی در نگاه کلی به‌معنای شرکت فعال و سازمان‌یافته‌ی افراد و گروه‌های جامعه در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. پاتنام معتقد است مشارکت اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه‌ی نقض میثاق اجتماعی، کاهش فضای ابهام‌آمیز و غیرشفاف، تقویت روابط متقابل اجتماعی و ایجاد حس اعتماد به دیگران، زمینه‌ی همکاری و اعتماد به یک‌دیگر را در کنشگران اجتماعی افزایش می‌دهد (پاتنام، ۱۳۷۹، ص. ۲۷۶).

حکومت‌ها هر قدر هم تلاش کنند و ظرفیت‌های جاری خود را بسیج نمایند، بدون کمک و مشارکت عموم مردم نمی‌توانند اهداف‌شان را محقق سازند. امیرمومنان علیه السلام بر آن بود که همگان در حکومت نقش داشته باشند و حس مسئولیت‌پذیری را در برابر یک‌دیگر برانگیزانند. لذا فرمود:

هیچ کس هر چند جایگاهش در حق بسی بزرگ بود و برتری او در دین بسی پیش‌تر از دیگران باشد، بالاتر از آن نیست که در گزاردن حقی که خداوند بر عهده او گذاشته است، از یاری دیگران بی‌نیاز باشد و هیچ کس هر چند مردمان او را کوچک شمارند و در دیده‌ی آنان بی‌مقدار به حساب آید، خردتر از آن نیست که نتواند دیگران را در گزاردن حق یاری دهد یا نخواهد که بر انجام‌دادن وظیفه او را یاری دهند. (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۲)

آن حضرت درباره‌ی سهیم‌شدن مردم در تعیین سرنوشت خویش می‌فرماید: «هر کس تنها به رأی خود اتکا کند، نابود است و هر کس دیگران را به مشورت فرا خواند، در عقل ایشان سهیم شده است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، حکمت ۱۶۱، ص. ۴۲۴).

۳,۵. کنش و کنش متقابل

کنش و کنش متقابل، روش‌ها و راهبردهایی است که کنش‌گران در رویارویی با پدیده و با توجه به شرایط علی و زمینه‌ها اتخاذ می‌کنند و اغلب هدفمند، ارادی و دارای دلیل است و برای حل یک مساله صورت می‌گیرد. در مثال درد پا، راهبردهای اداره و کنترل درد شامل تخته‌ی شکسته‌بندی، رفتن به اورژانس و گرم کردن فرد است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، صص. ۹۸-۱۰۶). در این‌جا، مقصود یافتن کنش‌های حکومت است که در شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی اثرگذار است و تشخیص کنش متقابل مردم در برابر کنش‌های حکومت تاثیر آن‌ها بر جامعه‌پذیری سیاسی را آشکار می‌کند. بخش‌هایی از

سیره و کلمات امیرالمومنین علیه السلام در این باره را به اجمال برمی‌شمریم:

حمایت از محرومان و نیازمندان

در دیدگاه امام علی علیه السلام جامعه از طبقات مختلفی شامل: نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان و وزیران، کارمندان، بازرگانان، صاحبان صنایع و محرومان و ناتوانان تشکیل شده است. بی‌تردید این طبقات در عینیت بخشی اهداف کلان جامعه دارای سرنوشت یکسانی هستند و به یکدیگر وابستگی تام دارند:

وَأَعْلَمُ أَنَّ الرِّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهُمْ إِلَّا بِبَعْضٍ وَلَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ؛ بدان که مردم جامعه را گروه‌های گوناگونی تشکیل می‌دهند که کارشان جز به یکدیگر سامان نیابد و برخی از برخی دیگر تو را بی‌نیاز نسازد. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۴۹)

یکی از طبقه‌های اجتماعی که در کلام حضرت با تاکید مورد سفارش واقع شده و کارگزاران خویش را بدان تحریض نموده، طبقه محروم و نیازمند جامعه است. آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «خدا را، خدا را در نظر بگیر در حق طبقه پایین جامعه، آنان که بیچاره‌اند؛ از مساکین، نیازمندان، بینوایان و زمین‌گیران» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۲). در ادامه تاکید می‌کند که در میان اینان برخی اظهار نیاز کنند و برخی دست نیاز به سوی دیگران نگشایند. حقوقی را که خداوند درباره ایشان از تو خواسته است، نگهدار و برای آنان سهمی از بیت‌المال و سهمی از غلات اراضی خالصه‌ی اسلام در هر شهر را قرار ده (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۲).

آن حضرت برای رسیدگی به امور محرومان، از یک سو با تقلیل مالیات‌ها و آماده‌سازی زمین‌های کشاورزی و سپردن آن به دست مردم زندگی آنان را رونق می‌بخشید و از سوی دیگر درباره توجه به تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به زمامداران سفارش می‌نمود (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۳). افزون بر این، برای ایجاد امنیت اقتصادی و تامین همه‌جانبه‌ی زندگی مردم، نظارت مستقیم بر بازار داشت (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۳). هم‌چنین به کارگزار خود دستور می‌داد که قیمت‌ها را در سطحی نگه دارند که برای همه‌ی گروه‌های مردم قابل تحمل باشد و به فروشندگان زبانی نرساند (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۲).

حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده

حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی و تدارک بسترهای مناسب برای مسئولیت‌پذیری آنان با هدف اصلاح امور جامعه، از وظایفی است که بر دوش همگان به‌ویژه حاکمیت





اسلامی است. از معضل‌هایی که امروزه دامن‌گیر اکثر جوامع بشری است، پدیده‌هایی چون: خودکشی، قتل، طلاق، سرقت، مهاجرت و شاید جدی‌تر و پراسیب‌تر از همه، پدیده اعتیاد است. در کنار تلاش حکومت برای مقابله و درمان این پدیده‌ها، شایسته است از ظرفیت نهادهای مردمی برای تسریع‌بخشیدن به خدمات مورد نیاز این گروه‌ها بهره گرفته شود. امام علی علیه السلام جامعه را در برابر منحرفان از مسیر حق، دارای مسئولیت دانسته و آنان را به حمایت و همدردی با آنان تحریض نموده و می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَ الْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ الْمُعْصِيَةِ؛ آنان که گناه ندارند و به لطف خدا از آلودگی برکنارند، شایسته است که بر اهل گناه و معصیت رحمت آورند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۴۰، ص. ۲۰۴).

حمایت از محیط زیست

انسان به دلیل قدرت و استعداد دخل و تصرف در طبیعت و محیط زیست، در برابر موجودات و اشیایی که به خدمت می‌گیرد، دارای مسئولیت است. آموزه‌های دینی سرشار از التفات و توجه به موضوع محیط زیست و حیات دیگر موجودات در کره زمین است. امیرالمومنین علیه السلام به‌طور خاص بر مسئولیت انسان‌ها در برابر محیط طبیعی و جانوری تاکید ورزیده و می‌فرماید: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ درباره بندگان خدا و شهرهایش تقوای الهی را رعایت کنید؛ زیرا شما حتی درباره‌ی زمین‌ها و حیوانات نیز پرسش می‌شوید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۱۶۷، ص. ۲۲۷).

مفهوم تقوا در برابر بندگان خداوند، ترک آزار آن‌ها و حفظ حقوق و احترام به شخصیت آنان است؛ اما درباره‌ی بلاد، تقوا آن است که از تخریب و ویرانی بپرهیزند و در آبادی آن‌ها بکوشند و اجازه دهند همه‌ی مردم از محیط سالم بهره‌گیرند. مسئولیت در برابر بهایم و چهارپایان این است که آن‌ها را بی‌جهت آزار ندهند و فوق طاقت‌شان بر آن‌ها بار نکنند و به نیازهای آن‌ها از نظر غذا و آب و حتی پوشش لازم و نیز دارو و درمان به‌هنگامی که گرفتار جراحی می‌شوند، رسیدگی کنند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص. ۴۲۹).

اهمیت محیط زیست در آموزه‌های اسلامی به قدری است که حتی از قطع درختان سرزمین دشمن یا سوزاندن آن‌ها یا رهاکردن آب برای نابودی آن‌ها و نیز آلوده کردن آب آشامیدنی آن‌ها نهی شده است (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، باب ۱۵-۱۶).

بیعت

بیعت که در ادبیات سیاسی امروز به «جمهوریت» یا «مردم‌سالاری» شناخته می‌شود،

نشانه و منشا اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی در همه‌ی کشورهاست. حضور مردم در صحنه‌ی سیاست از طریق شرکت در فرآیندهای انتخاباتی برای رأی دادن، خواسته‌ی همه‌ی نظام‌های سیاسی امروزی است. حضور مردم در فضای سیاست‌ورزی و تاسیس نهاد جمهوریت از کارکردهای مهم حکومت و اثرگذار در شکل‌دهی جامعه‌پذیری سیاسی اعضای جامعه تلقی می‌شود. رابطه دولت-ملت که در گذشته بر پایه‌ی بیعت عمومی استوار می‌گردید، در جوامع امروز برپایه‌ی سازوکارهایی هم‌چون انتخابات، رفاندوم و مراجعه به آرای عمومی تمشیت می‌شود و احترام و التزام به رأی و نظر مردم براساس آن چه از صندوق‌های رأی به دست آمده است، وظیفه‌ی اصلی حاکمان است.

امام علی علیه السلام ورود خود به عرصه‌ی حکومت را بر پایه‌ی رأی و نظر مردم بیان داشته است؛ به گونه‌ای که اگر اصرار و سماجت مردم بر قبول ولایت و حکومت آنان نبود، انگیزه‌ای برای قبول این مسئولیت نداشتند (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۳، ص. ۱۲۸). از این رو مشارکت مردم در تثبیت برنامه‌های حکومت و تشویق و تحریض آن بر شکل‌دهی حکمرانی خوب، به‌طور مستقیم اثرگذار است و توجه به انتخاب و نظر آنان می‌تواند به تعمیق جامعه‌پذیری سیاسی و احساس تعلق سیاسی به سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت بیانجامد. بالعکس، نادیده‌گرفتن رأی مردم از سوی حاکمیت یا دخالت‌ندادن آن در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومتی، به‌تدریج موجب ازدست‌رفتن حمایت مردم و کاهش اعتماد عمومی و در صورت تداوم این وضع، تهدید امنیت و استقلال کشور و نفوذ و سلطه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان بر کشور را در پی دارد.

شایسته‌گزینی

کسانی که در معرض رأی و انتخاب مردم برای تولی امور یک جامعه قرار می‌گیرند، باید نمود و تجلی همه‌ی خصلت‌ها و صفات نیکویی باشند که در آن جامعه پراکنده شده است. بهره‌ی وافى و کافى از دانش، مهارت و تجربه به‌صورت هم‌زمان، از اموری است که منتخبان را در برابر اقران خویش سرآمد ساخته و استعداد واگذاری تصمیم‌گیری درباره امور جامعه را در آنان پرورش می‌دهد. آن حضرت زمانی که مشاهده می‌کرد مقام‌پرستی عده‌ای سبب انحراف در مسیر حکومت و امامت مسلمانان شده و کسانی بر مسند تصمیم‌گیری انتخاب جانشین رسول خدا قرار گرفتند که به‌جای توجه‌نشان‌دادن به صلاحیت‌های علمی و عملی و سابقه‌ی خدمت در اسلام و همجواری با مقام رسول خدا، در پی مطامع شخصی و قبیله‌ای خویش برآمده‌اند، فرمود:



به خدا سوگند فرزند ابوقحافه لباس خلافت را بر تن کرد در حالی که می‌داند جایگاه من در حاکمیت مانند سنگ برای آسیاب است [که بدون آن از چرخش باز می‌ماند]؛ سیل علم و معرفت از کوهسار وجود من فرو می‌ریزد و مرغ اندیشه را یارای پرواز به بلندای من نیست. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۳، ص. ۱۲۷)

حاکمیت قانون

قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایا، ضوابط و اصول کلی‌ای است که شیوه‌ی رفتار انسان‌ها را در زندگی اجتماعی تعیین می‌کنند. به‌طور معمول، قانون از طرف یک منبع قدرت یا اعتبار اجتماعی وضع می‌شود و در آن برای همه‌ی کسانی که در قلمرو آن منبع قدرت زندگی می‌کنند، تکالیف، حقوق و مسئولیت‌هایی را معین می‌کند و همگان را به رعایت آن ملزم می‌سازد (پادشاه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص. ۳۳۰۴ و جعفری‌لنگرودی، ۱۴۰۰، ص. ۵۱۸). اگرچه حکومت خود واضح قانون است، محصول قانون نیز هست؛ بنابراین باید در حفظ و حراست و عزم بر التزام به آن پیشگام باشد. ابتدای رفتارهای حاکمان بر موازین و معیارهای قانونی و التزام به تمامی مواد و مفاد آن، گام مهمی در اطمینان‌بخشی و جلب اعتماد اعضای جامعه است و در موجه‌سازی عملکرد آنان نقش پررنگی دارد.

برای امام علی علیه السلام قانون به منزله‌ی میثاق عمومی، ابزار اجرای عدالت و بستر تامین حقوق انسان‌هاست. آن حضرت به اهمیت حاکمیت قانون واقف بودند و بر انطباق رفتار والیان و کارگزاران با چارچوب‌های قانونی اصرار و اهتمام داشتند. عدول از موازین قانونی در این نگره، با مجازات سخت‌گیرانه همراه بود و بدون هرگونه ملاحظه و تسامح یا تفاوت و تبعیض به اعمال آن اقدام می‌ورزید. به این سبب بر مجازات تعرض‌کنندگان به حقوق عمومی تاکید ورزیده و برای هیچ گروه و دسته‌ای حتی قوای نظامی استثنا قائل نشده‌اند (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۶۰، ص. ۳۵۷).

آن حضرت از منزلت‌سالاری و دورزدن قانون به بهانه‌ی رعایت جایگاه افراد و گروه‌ها بیزار بودند و از ترویج آن در جامعه پرهیز داشتند؛ لذا می‌فرمودند: «وَلَا يَدْعُونَكَ شَرْفُ امْرِئٍ إِلَىٰ أَنْ تُعْظِمَ مِنْ بَلَائِهِ مَا كَانَ صَغِيرًا؛ مقام برتر کسی سبب نشود که کار کوچک او را بزرگ شماری» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۵). زمانی که عقیل - برادر آن حضرت - به دلیل غلبه فقر و تنگ‌دستی در تامین نیاز معیشتی خانواده و فرزندان، از آن حضرت تقاضای سهمی از بیت‌المال را داشت، درحالی که خود به وضعیت زندگی و تنگنای معیشت فرزندان عقیل وقوف کافی داشت، اما نپذیرفت که در تقسیم بیت‌المال



برای کسی هرچند نزدیک‌ترین کسانش امتیاز قائل شود (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، خطبه ۲۲۴، ص. ۲۸۰). ابن‌میثم در این جا یادآور شده است هر حقی که تمام مسلمانان به‌طور برابر بدان استحقاق دارند، تخصیص بعضی افراد به آن روا نیست (ابن‌میثم بحرانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص. ۴۱۳).

مسامحه‌نکردن در برخورد با فساد

منذربن‌جارود از کارگزاران حضرت بود که به‌واسطه‌ی انتساب به پدرش، که از یاران وفادار و خوشنام پیامبر خدا ﷺ بود، مورد اعتماد امام قرار گرفت و او را به‌عنوان کارگزار خویش در استخر فارس قرار داد. منذر در اموال و وجوهی که در اختیار داشت، تصرف عدوانی کرد؛ حضرت خطاب به وی در نامه‌ای نوشت: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ صَلَاحَ أَيْبِك [قَدْ] غَرَّيْتَنِي مِنْكَ وَظَنَنْتُ أَنَّكَ تَتَّبِعُ هَدْيَهُ وَتَسْلُكُ سَبِيلَهُ؛ درستکاری پدرت مرا به اشتباه انداخت و پنداشتم که تو از روش او پیروی می‌کنی و راه او را می‌روی» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۷۱، ص. ۳۶۲). امام در این نامه ضمن تمجید از پدرش - یعنی جارود عبدی - رفتار وی را سرزنش کرد و فرمان عزل وی را صادر نمود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۴، ص. ۳۸۵).

پیشگیری از ویژه‌خواری

ویژه‌خواری که در ادبیات سیاسی با رانت‌خواری (Rent) برابریابی شده، عبارت است از شرایطی که امتیاز یا انحصار ویژه‌ای برای فرد یا گروه خاصی در نظر گرفته می‌شود، درحالی‌که دیگران نمی‌توانند از آن بهره‌مند باشند. برای حکومت که فلسفه‌ی وجودی‌اش تسهیل امور زندگی و زیست مردمان و تلاش برای هدایت جامعه به کمال مطلوب‌های انسانی است، روآوردن به ویژه‌خواری نشانه‌ی فاصله‌ی حاکمان از مردم است. چنین رفتارهایی به طرز غیرقابل‌انکاری شتاب جامعه‌پذیری سیاسی را در جامعه سیاسی کند ساخته و به فاصله‌ی حاکمیت و مردم دامن می‌زند. از این‌رو، ویژه‌خواری به شکلی که حق دسترسی همگان از امکانات و سرمایه‌های کشور سلب گردد، صفتی ناپسند، غیرقانونی، مغایر عدالت و موجب تضییع حقوق عامه است و به‌فرمایش امام علیؑ خسران دنیا و آخرت را در پی دارد (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۶۹، ص. ۳۶۱). ایشان در نامه‌ی معروف به مالک اشتر، به پرهیز از ویژه‌خواری و اختصاص منابع عمومی به خود و نزدیکان سفارش کرده و مسئولان را از توهّم فاصله‌ی میان خود و مردمان برحذر داشته است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵۳، ص. ۳۵۵).

نظارت بر عملکرد کارگزاران

دستگاه‌های نظارتی در حقیقت ضامن بقا و تداوم امنیت و سلامت روانی جامعه‌اند و





نبود یا ناکارآمدی آن‌ها زیان‌های جبران‌ناپذیری را به بهبود امور جامعه وارد می‌کند. امیرالمومنین علیه السلام خطاب به اشعث بن قیس فرماندار آذربایجان می‌فرماید: «مقام برای تو نه اسباب معاش که امانتی در گردن توست. تو از سوی مافوق خود تحت مراقبت هستی و حق نداری درباره‌ی رعیت استبداد بورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی» (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۵، ص. ۳۱۹).

زمینه‌ی گرایش به انحطاط و فساد در هر موقعیت و زمانی برای نفس انسانی فراهم است؛ کارگزاران و حاکمان به دلیل دسترسی آسان‌تر به اموال و دارایی‌های کشورهای بهره‌ی وافر از قدرت، بیش از عموم مردم در معرض خواهش‌های نفسانی قرار دارند. از این‌روست که حضرت یوسف علیه السلام خود را از وسوسه‌ی نفس مبرا نمی‌دانست و پناه‌آوردن به رحمت الهی را اسباب مصونیت از آفات آن عنوان می‌کرد (ر.ک: سوره‌ی یوسف، آیه ۵۳). بنابراین، بازرسی مستمر و مداوم عملکرد کارگزاران از وظایف ضروری نهادهای حاکمیتی است. امام علی علیه السلام به روش‌های گوناگون، رفتار کارگزاران را تحت نظر داشتند و در موارد مقتضی، اقدامات لازم را به کار می‌بستند. (ر.ک: نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۴۰، ص. ۳۴۰)

تامل در برخی از این نامه‌ها و خطبه‌ها نشان می‌دهد که امام علیه‌السلام در قلمرو حکومت خویش گزارش‌گرانی گمارده بود تا عملکرد کارگزاران را زیر نظر داشته باشند و به موقع گزارش‌های خود را به ایشان برسانند. دوم این که امام به گزارش آن‌ها ترتیب اثر می‌داد و بی‌اعتنا از کنار آن‌ها نمی‌گذشت. سوم این که آن حضرت به تخلفات کارگزاران رسیدگی می‌کردند و از اعمال مجازات درباره‌ی آن‌ها دریغ نمی‌ورزید.

نظام چرخش مدیران

به‌طور معمول ساختارهای اجتماعی به شکل‌گیری روابط پیچیده بین اعضای جامعه منجر می‌شوند و بعضی گروه‌ها از یک‌دیگر متمایز می‌گردند. این تمایز، گاه بهره‌مندی‌هایی از مواهب اجتماعی و سیاسی را برای آنان رقم می‌زند که به تدریج اختصاصی آنان می‌شود و حتی به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد. از بسترهایی که به این معضل دامن می‌زند و سبب‌کننده‌ی اثربخش نبودن حرکت‌های اصلاح‌گرانه در حکومت‌ها می‌شود، «تمرکز مدیریت» است.

یکی از امتیازهای روش زمامداری امام علی علیه السلام تمرکززدایی از مدیریت و بهره‌گیری از استعداد و ظرفیت مدیران در عرصه‌های گوناگون است. آن حضرت زمانی که متوجه افسردگی محمد بن ابی‌بکر به سبب عزل از حکومت مصر شد، طی نامه‌ای

خطاب به وی فرمود:

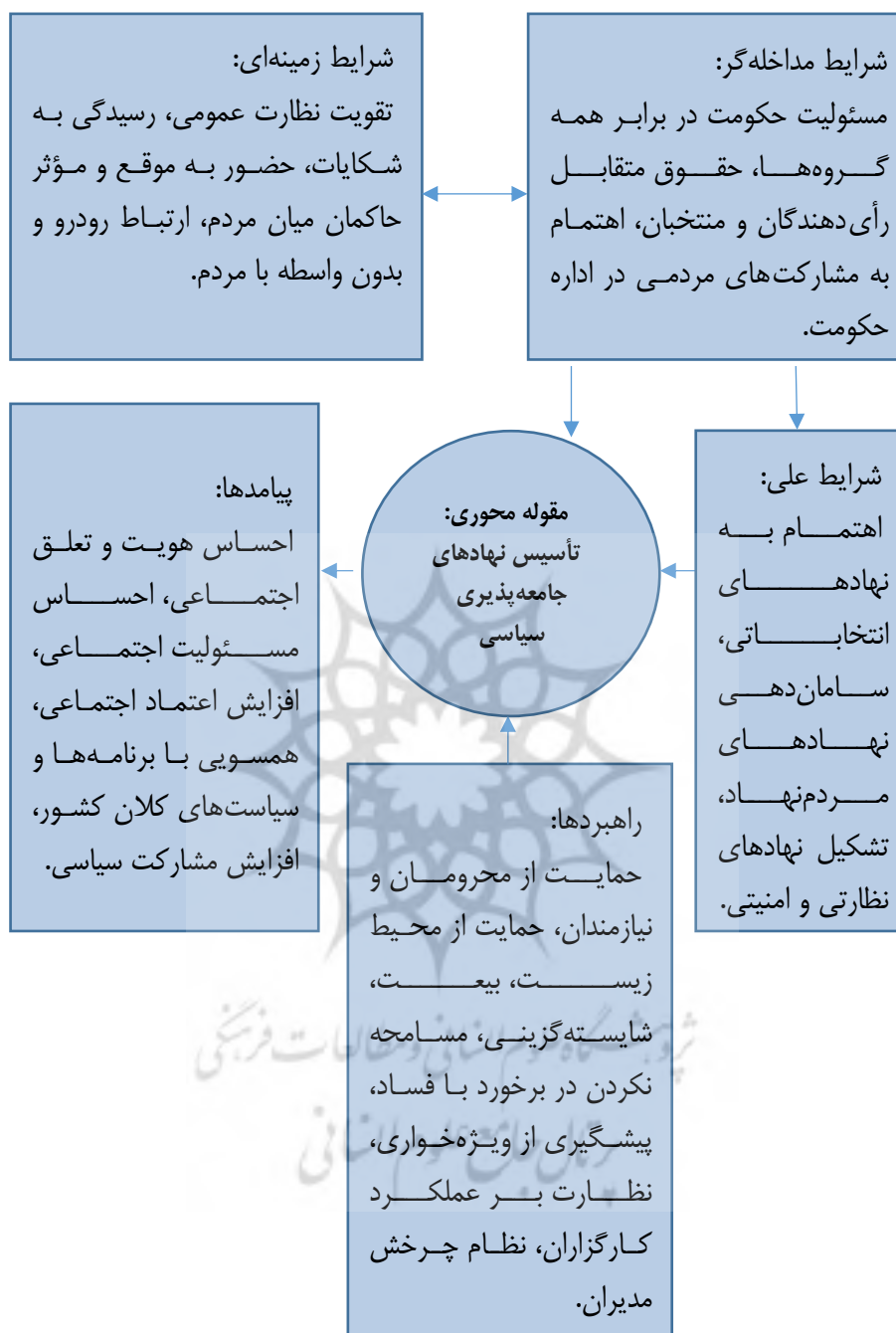
خبر یافتیم که از فرستادن مالک اشتر به قلمرو حکومت دلتنگ شده‌ای. من این کار را به سبب کاهل دانستن تو در کار و یا انتظار تلاش بیش‌تر از تو انجام ندم. اگر من حکومت مصر را از تو گرفتم، تو را به حکومت منطقه‌ای می‌گمارم که اداره‌ی آن برای تو آسان‌تر و حکومتش برایت خوشایندتر است. (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۳۴، ص. ۳۳۸)

در این جا امام علیه السلام احساس کرد محمد بن ابی‌بکر که فرماندار آن حضرت در مصر بود، اگرچه مرد امینی است ولی فردی از او قوی‌تر و با تجربه‌تر لازم است تا در برابر توطئه‌های معاویه بایستد؛ لذا مالک اشتر را برای این امر برگزید و عهدنامه‌ی معروف خود را برای او نوشت (هاشمی‌خویی، ۱۳۷۵، ج ۲۰، ص. ۵۳). بر همین پایه، آن حضرت پس از پایان دوره‌ی خدمت عمر بن ابی‌سلمه مخزومی طی نامه‌ای ضمن دل‌جویی و تقدیر از تلاش او، بر بهره‌گیری از ظرفیت وی در جایگاهی دیگر تاکید ورزید (نهج البلاغه، ۱۳۹۱، نامه ۴۲، ص. ۳۴۱). اهتمام و تمایل به جابه‌جایی قدرت و میدان‌دادن به افراد و گروه‌های سیاسی مختلف که پیامد آن، گردش نخبگانی و مشارکت سیاسی پیشینه است، سبب دل‌بستگی و علاقه‌مندی بیش‌تر جامعه‌ی سیاسی به فرآیندهای سیاسی حکومت و افزایش سطح جامعه‌پذیری سیاسی آنان می‌شود. در برابر، وحشت از جابه‌جایی قدرت، فاصله‌ی بین حاکمیت و مردم را در پی دارد و به همان میزان بر جامعه‌پذیری سیاسی اعضای جامعه اثر فروکاهشی می‌گذارد.

۳.۶. پیامدها

پیامدها نتیجه و حاصل کنش/کنش متقابل است. به‌طور طبیعی کنش‌ها و واکنش‌هایی که برای اداره و کنترل پدیده‌ای صورت می‌گیرد، نتایج و پیامدهایی دارد و ممکن است متوجه افراد، مکان‌ها یا اشیا شود. در مثال پیشین می‌توان گفت یکی از پیامدهای اقدام برای تسکین درد، آرامش است (استراس و کوربین، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۷-۱۰۸). درباره‌ی نتایج و پیامدهای حاصل از شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از ناحیه‌ی حکومت موارد زیر قابل احصاست: افزایش مشارکت سیاسی، احساس هویت و تعلق اجتماعی، بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی، کاهش فاصله میان مردم و مسئولان و همراهی و همسویی با تصمیم‌های حاکمیت.





نمودار ۳- الگوی پارادایمی نقش حکومت در تأسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی

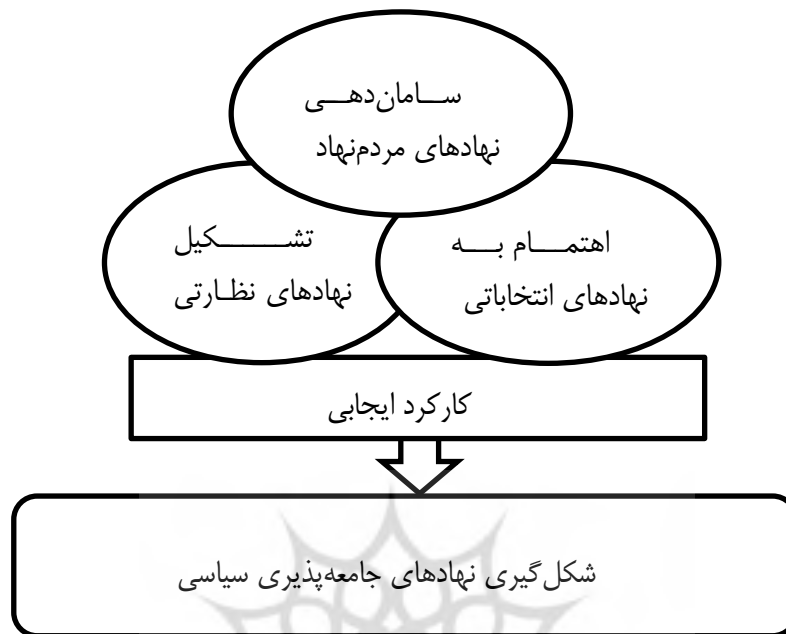
۳،۷. مقوله انتخابی

آخرین مرحله این فرآیند، شامل کدگذاری انتخابی است که طی آن طبقه‌بندی‌ها با ادغام و انسجام در قالب یک الگوی نظری، تبدیل به نظریه می‌شوند. آن‌چه تاکنون از کلمات و سیره‌ی امام علیه السلام درباره‌ی تاثیر رفتار حکومت بر جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان به‌دست آمده، مشتمل بر دو گزاره اصلی است: «جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب» و «جامعه‌پذیری سیاسی نامطلوب».

در نگاه امام علی علیه السلام جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب بر محور و مدار مدینه‌النبی و ناظر به اصول و سنت‌های عصر آن حضرت است. الگوی مطلوب این جامعه‌پذیری، تأسی به سیره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و رساندن جامعه به اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های عصر نبوی است. بالعکس؛ زمانی که جامعه به باورها، ارزش‌ها و آرمان‌هایی اتکا نماید که با ارزش‌ها و سنت رسول خدا هم‌خوانی نداشته باشد، جامعه‌پذیری سیاسی نامطلوب شکل می‌گیرد. از این منظر، تأسی به حکومت دوره‌ی خلفا، مصداق این نوع جامعه‌پذیری سیاسی و نمونه‌ی واقعی آن حکومت معاویه است.

نقش حکومت در تاسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی در رهیافت امام علی علیه السلام به‌طور خاص نه در بود و نبود آن، که در مطلوب و نامطلوب بودن آن است. حکومت زمانی که برای نقش مردم در اداره‌ی جامعه اهمیت قائل شود، به جلب مشارکت آنان اهتمام ورزد، نهادهای مردم‌نهاد را قدر بداند، پایه‌های حکومت را بر پایه‌ی رأی و نظر مردم استوار سازد، معیار انتخاب کارگزاران و واگذاری امور بر محور شایستگی و تخصص باشد، قانون هیچ‌گاه بر مدار میل و اغراض شخصی و قبیله‌ای حاکمان قرار نگیرد، نظارت بر عملکرد مجریان در همه دستگاه‌ها نهادینه شود و جریان انتقال قدرت در لایه‌های مختلف مدیریت‌ها با جدیت پیگیری شود، در این صورت نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی در جایگاه شایسته‌ی خود قرار خواهند گرفت و متعاقب آن، هم‌سویی و هم‌آوایی سیاسی جامعه با حکومت نیز به شکل مطلوب تحقق خواهد پذیرفت.

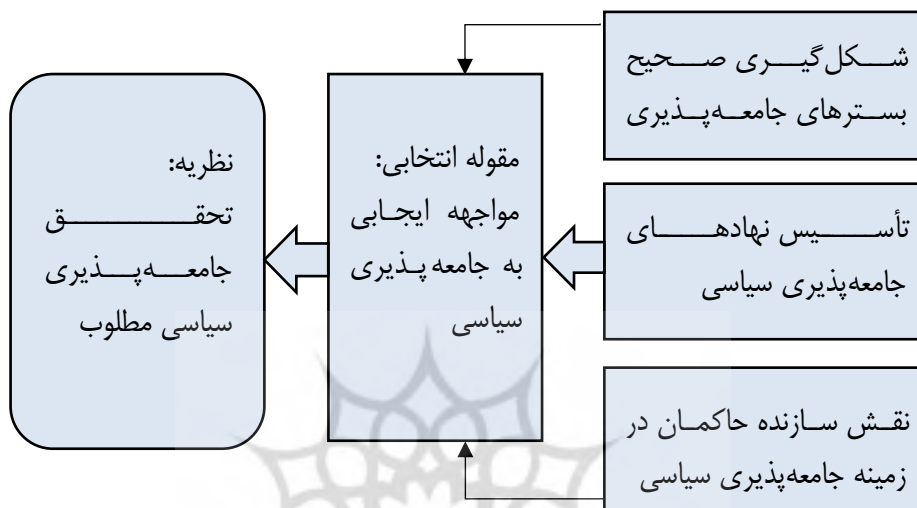




نمودار ۴: الگوی مفهومی نقش ایجابی حکومت در شکل‌گیری نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی طبق این بیان، وجود جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب، مشروط به تحقق شرایطی چند در لایه‌های مختلف جامعه است. بخشی از این شرایط به‌طور قطع باید در بین اعضای جامعه محقق شوند و آنان با آگاهی از کارکردهای حکومت و وظایف خود در برابر آن، به انجام درست آن مبادرت ورزند. اما بخش بیشینه‌ی این شرایط الزاماً باید بیش و پیش از آن، در اجزا و عناصر حکومت تحقق یابد که با داشتن «مواجهه‌ی ایجابی» می‌توانند اسباب جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان را فراهم آورند. ارکان حکومت باید در برابر جامعه و شهروندان احساس تکلیف نمایند و به همان میزان که انتظار جامعه‌پذیری سیاسی از آنان دارند، به حقوق و وظایف شهروندی آنان نیز اشراف داشته و بدان احترام بگذارند. برای این منظور، نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی را محترم بشمارند و در تحقق بسترهای جامعه‌پذیری سیاسی و تعامل با جامعه بر پایه اصول عدالت، عقلانیت و مردم‌سالاری کوشش نمایند. هم‌چنین رفتار خویش را با چنین نهادهایی هماهنگ ساخته و به تعهدات خود در قبال آن‌ها وفادار بمانند. در این صورت می‌توان انتظار داشت سطح مطلوبی از جامعه‌پذیری سیاسی در لایه‌های مختلف جامعه نهادینه شود. بالعکس؛ زمانی که حاکمان به وظایف و تعهدات خود درباره‌ی جامعه‌پذیری سیاسی اعضای جامعه به درستی عمل



نکنند و بسترها و نهادهای آن را نیز با رفتارهای غیرسازنده‌ی خود از کارایی ساقط نمایند، اصرار بر وجود جامعه‌پذیری سیاسی ذیل چنین حاکمیتی، آثار و پیامدهای نامطلوب و مخربی در پی خواهد داشت.



نمودار ۵: فرآیند تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب

نتیجه

این نوشتار با موضوع «نقش حکومت در تاسیس نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از منظر نهج‌البلاغه» تلاش کرد با تکیه بر ظرفیت روش نظریه‌ی مبنایی، داده‌های طبقه‌بندی‌شده‌ای از گفتار امیرالمومنین علیه السلام را با هدف استخراج نظریه‌ای نظام‌مند به دست دهد. برای این منظور، نخست با مرور ادبیات مفهومی موضوع، سه مفهوم: «حکومت»، «نهاد اجتماعی» و «جامعه‌پذیری سیاسی» ایضاح مفهومی گردید؛ سپس با مراجعه به متن نهج‌البلاغه و تحفظ بر نظریه استراس و کوربین، به استخراج و تحلیل و تفسیر داده‌های تحقیق در سه مرحله‌ی: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی مبادرت شد.

براساس داده‌های این تحقیق، کارکردهای حکومت در ایجاد نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی از دو بعد سلبی و ایجابی مورد مذاقه قرار گرفت و ناظر به بعد ایجابی آن، سه موضوع: «اهتمام به نهادهای انتخاباتی»، «سامان‌دهی نهادهای مردم‌نهاد» و «تشکیل

نهادهای نظارتی و امنیتی» به عنوان زمینه‌هایی که حکومت را در تحقق جامعه‌پذیری سیاسی یاری می‌رساند، معرفی گردید. در نهایت با صورت‌بندی یافته‌های تحقیق در قالب مدل مفهومی، به «مواجهه‌ایجایی به جامعه‌پذیری سیاسی» به عنوان مقوله انتخابی اشاره گردید که در پرتو شکل‌گیری صحیح نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی و نقش سازنده‌ی حاکمان در زمینه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی می‌تواند تحقق جامعه‌پذیری سیاسی مطلوب را تسریع بخشد.



منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه (۱۳۹۱). م. رضی (گردآوری). ع. شیروانی (مترجم) ج ۳. قم: دفتر نشر معارف.
- ابن میثم بحرانی، م. (۱۳۹۳). مصباح السالکین. (ج ۲). تهران: آل‌البیت.
- استراس، آ. و کوربین، ج. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبنایی؛ رویه‌ها و شیوه‌ها. ب. محمدی (مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آلموند، گ. و همکاران (۱۳۷۷). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ع. ر. طیب (مترجم). تهران: آموزش مدیریت دولتی.
- انوری، ح. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- پاتنام، ر. (۱۳۷۹). دموکراسی و سنت‌های مدنی، م. ت. دلفروز (مترجم)، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- پادشاه، م. (۱۳۶۳). فرهنگ آندراج. (ج ۴). م. دبیر سیاقی (زیر نظر). تهران: خیام.
- جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۴۰۰). ترمینولوژی حقوق. (چاپ ۳۳). تهران: گنج دانش.
- چیکوت، ر. (۱۳۹۳). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای. و. بزرگی و ع. ر. طیب (مترجمان). تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۴ق). وسائل الشیعه. (ج ۹). قم: آل‌البیت.
- عمیدزنجانی، ع. ع. و موسی‌زاده، ا. (۱۳۸۹). دانشنامه فقه سیاسی. تهران: دانشگاه تهران.
- کللی، ق. (۱۳۸۸). فرهنگ فلسفی و فلسفه سیاسی. تهران: پایان.
- کوئن، ب. (۱۳۸۵). درآمدی به جامعه‌شناسی. م. ثلاثی (مترجم). تهران: توتیا.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی. م. صبوری (مترجم). تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری. تهران: اطلاعات.
- محمودی، م. ب. (۱۳۷۶). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. عزیز آل‌طالب (مصحح). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم‌شیرازی، ن. (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمومنین علیه‌السلام. (ج ۲، ۶، ۱۲ و ۱۴). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهرداد، ه. (۱۳۷۶). زمینه‌های جامعه‌شناسی سیاسی: جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: پاژنگ.



هاشمی خویی، ح. (۱۳۶۴). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. (ج ۲۰). ا. میانجی (مصحح). تهران: مکتبه الاسلامیه.



سال بیست و چهارم / شماره نود و ششم / زمستان ۱۴۰۰

References

Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

al-Hurr al-Amili. (1414 AH). Wasa'il al-Shia (Vol. 9). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]

Almond, G. et al. (1377 AP). A theoretical framework for comparative policy review (A. R. Tayyeb, Trans.). Tehran: Public Management Training. [In Persian]

Amid Zanjani, A. A., & Musazadeh, A. (1389 AP). Encyclopedia of Political Jurisprudence. Tehran: University of Tehran. [In Persian]

Anwari, H. (1381 AP). Great culture of speech. Tehran: Sokhan. [In Persian]

Chilcott, R. (1393 AP). Comparative policy theories (V. Bozorgi & A. R. Tayyeb, Trans.). Tehran: Rasa Cultural Services. [In Persian]

Coin, B. (1385 AP). An Introduction to Sociology (M. Thalathi, Trans.). Tehran: Totia. [In Persian]

Giddens, A.. (1384 AP). Sociology (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]

Hashemi Khoii, H. (1364 AP). Minhaj al-Bara'a in Sharh Nahj al-Balagha (A. Mineji, Ed., Vol. 20). Tehran: Islamic School. [In Arabic]

Ibn Maytham al-Bahrani. (1393 AP). Misbah Al-Salekin (Vol. 2). Tehran: Aal al-Bayt. [In Arabic]

Jafari Langroudi, M. J. (1400 AP). Legal terminology (33th ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]

Kelly, Q. (1388 AP). Philosophical culture and political philosophy. Tehran: Payan. [In Persian]

Mahmoudi, M. B. (1376 AP). Nahj al-Saada fi Mustadrak Nahj al-Balagha (A. Aal-e Talib, Ed.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Makarmashirazi, N. (1375 AP). Message of Imam Amir al-Mu'minin (PBUH) (Vols., 2, 6, 12 & 14). Tehran: Islamic Library.

Mehrdad, H. (1376 AP). Fields of Political Sociology: Political Sociability. Tehran: Pajang. [In Persian]

Mohseni Tabrizi, A. R. (1395 AP). Qualitative research methods in interpretive schools. Tehran: Ettela'at. [In Persian]

Padshah, M. (1363 AP), Anendraj Dictionary (Vol 4). Tehran: Khayam. [In Persian]

Patnam, R. (1379 AP). Democracy and Civic Traditions (M. T. Delfrooz, Trans.), Tehran: Office of Political Studies and Research, Ministry of Interior. [In Persian]

Strauss, A., & Corbin, J. (1385 AP). Principles of Qualitative Research Methodology: Basic Theory; Procedures and methods (B. Mohammadi, Trans.). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]

